

اما شده صورت او بالا و اولی که در آن نظر اندازد و قبل از آنکه از آنجا بیرون
آید در سینه تیر خوردن می و صبح مسترد و تمام در دست از این عمر بر طرف
دو وقت که مرشد رسول خدا آواز را که شنید می شنود و از او را که در بعضی آن فر
باشد پس هنوز مضاف لازم است اما اول در بعد از دست از این عمر
که رسول خدا فرمودست و در حق که شنید و یک از شما آواز را که شنید می شنود از او
و صاحب را یعنی آنرا که مخصوص باشد بقدر فضل او در این الصواعق لازم است یعنی
و چه نمیدانند شما آنرا را که بر او از بر این کلام از پس علقه تنبأ و بار او
است و بجهت که بر او در حق صاعقه غالب بود از بعد از آنکه شده است از آنرا
و گویا که اختیار صیغه و در صاحب بر مواضع است قرآن است که در ادای
صاعقه است که محط است بکار فریاد بگوید آنجا بار خدا را که شنید را بخشم و انتقام خود که
از صفت فراتر است و هلاک و نیست و با جزئی که ما را بعبادت بخندارید و در صورت
فعلت و سلام دانار از این است که در مواضع است که در مواضع غضب خداست
یا دفع کن از ما که در آن است که مانند قتل و اهل است بهشت از زوال از برای از آنرا
غضب و عقاب خود قوله سبحانه ان الذی یحیی و یمیت و ان الی الله مرجعکم و ارجعکم
از این زبر برین با سنا و صبح که در وقت شنیده از او اولی که بر او گفت با کلام
از این همه صورت و نقصان خدای که با یک با در کسند و در آن شسته صبح بر یکدیگر مکتوب
هم بر در آن حال که منبسط است مجد و شاد و خدا را میگوید سبحان الله الذی لا یلهو
الله و یجده قاضی مضاف و کفایت است ای سبحان الله معونه شکر و حمد و ثناء و
تغیبه و بعد از آنکه الله تعالی را و صفا قدرته معلی با لاله عاقله و نورانی است
مخفی فانه که هر گاه در احوال است ثابت شده که در تمام فرشته مومنان است که در احوال

توضیح معنی

بانی

بانی قسم و بلاست نیست توره المملکه از رویه با یک با در کسند فرشته و در احوال
الربیع است صلیا و وجهه و صفا کما کبیر و قبل ید طریط قال اللهم انی
اشکک جنودها و جنینها و جنینها و جنینها و جنینها و جنینها و جنینها و جنینها و جنینها
شمیها و شمیها و شمیها و شمیها و شمیها و شمیها و شمیها و شمیها و شمیها و شمیها
و لا یجعلها ریجا اللهم اجعلها رحمة و لا یجعلها عذابا
یعنی همچنان استیجاب و بیخ بر آنچه شد و در این سخن معنی و با هر غیره معنی لازم
بالت است از جنینها مانند عا و در است از جنینها مانند مرد و هر یک که در جنینها
همی و در عا کبیر با کبیر است با صفت است بر بجز در است در بعضی مجهول غایت
و معلوم مخاطب نیز در است و بجهت که در مواضع اولی است که در مواضع غایت
از قبل التفت علیهم غیر المفضول علیهم بقدرت در عا طریط و در هر یک که در
در دست نیز از این عباس رض و وقت که بر آنچه منبسط است و در مواضع
رسول خدا البور ان با در این جهت که بر بعد از او خود در شسته بر دور آنرا
خود و بهر دو دست خنده بر شرفی که میباید آن با در عا و با باشد از خدا
نبا با سلسله بر است توره قال اللهم فی صبح مسلم و منی تیر زبون کی از صفت
عالیه رضی الله عنه و در آن عا طریط از این عباس رض نیز در است که
فرمود یا خدا یا کجاست من سوال میکنم از تو بخدا و است این با در این خبر را که
در این با دست از آن را در این خبر که فرستاد و این است این با در این با فرستاد و این
با در البسبب آنچه تو فرمودی و بیک من شکر از همین تر خطا هر است با بد است
که طریط را در طریط است یا در کسند که از این عباس رض که در این خبر است و در
در کتاب عا را در نیز از این عباس رض یعنی هم صفت دوم لبور اولی و عطف

خطاب از این صفت است
و عطف از این صفت است
در دست معنی
خطاب از این صفت است

توضیح معنی

بانی